

مفاخر مکتب اسلام

مفید

گرچه در بین دانشمندان بزرگ شیعه که در اعصار مختلفه میزیسته اند نوابع و مفاخر بسیاری بوده اند که امروز هر کدام حایه اعتبار و سند افتخار جهان تشیع بشمار می آیند. ولی از میان آنها شیخ مفید جای مخصوصی دارد که از هر جهت او را از دیگران ممتاز میگردانند.

برای اینکه بهتر بتوانیم بی بااهمیت مفید بپریم نخست اوضاع عمومی شیعیان پیش از او را از لحاظ خوانندگان میگذرانیم سپس قیافه عصری که مفید در آن زندگی میکرده است تشریح نموده و آن نگاه می برداریم بشرح مختصری از ماجرای زندگانی بر حادنه او.

اوضاع شیعیان پیش از مفید

از زمان درگذشت پیغمبر اکرم (ص) تا حدود سال ۳۰۰ هجری شیعیان وضع ناگوار و موقعیت خطرناکی داشتند، چه شیعه از روز نخست در اقلیت بودند در دولت بنی امیه و بنی عباس نیز سعی میشد که از نفوذ امامان، جلوگیری بعمل آید در رابطه آنها با شیعیان قطع شود.

بهمین جهت در سراسر ممالک اسلامی از اقصای افریقا و اسپانیای آنروز گرفته تا مصر و روم شرقی و سرحد چین که همه زیر نگین خلفای عباسی و اموی بود، شیعه همچنان در محدودیت بسر میبرد و از هر گونه آزادی عقیده و ابراز وجود ممنوع بود.

در عصر مفید

ولی از اواسط قرن چهارم هجری شیعیان بمیزان قابل ملاحظه‌ای در کشورهای خاورمیانه از آن محدودیتها و آزادی کشیها برکنار ماندند زیرا از یکطرف خلفای فاطمی که شیعه اسماعیلی بودند در مصر دولت نیرومندی تشکیل داده و از ابوت و جلال دربار بغداد کاستند، و از طرفی سیف الدوا، حمدانی و امرای آنخاندان که در شام حکومت میکردند نسبت بشیعه ابراز تمایل بسیار مینمودند، از جانب دیگر در مشرق و جنوب شرقی و شمال ایران نیز سلاطین غوریان و صفاریان و طاهریان و کمی قبل از آنها علویان مازندران که همه شیعه بودند علم استقلال بلند کرده علیه خلفای عباسی قیام کردند از همه مهمتر ظهور دولت مقتدر آل بویه بود که از شیعیان با اخلاص بشمار میآمدند عضدالدوله دیلمی که از پادشاهان مقتدر این دو دمان است دامنه اقتدارش از سواحل دریای عمان تا شام و مصر گسترش یافته و در احترام و حمایت شیعیان کوشا بود. از این عوامل دست بهم داد و موجب شد که شیعیان از گوشه و کنار سر بر آورده و با همتی شایان توجه بتشکیل جمعیتها و تأسیس حوزه های علمی و نشر معارف و حقایق اهلیت پردازند. مسافرت کلینی و صدوق دو پیشوای بزرگ شیعه بغداد و اقامت در آن شهر که مرکز علمای اهل سنت بود راهمیتی که میان آنان کسب کردند همه از آزادی نسبی و محبوبیت شیعیان آن عصر حکایت میکنند.

در عصر مفید که خود عرب بود شیعیان از آزادی و احترام بیشتری برخوردار گردیدند. وجود فقیه عالی مقامی چون مفید در میان آنان اعتبار آنها را بالا برد و بیش از پیش نزد دوست و دشمن بر احترام آنها افزود. مفید شیعیان را از پراکندگی نجات داد و از ضاع اسفانگیز آنها را سامان بخشید تا آنجا که با وجع عزت رسیدند.

وجود سلاطین دیلمه و روابطی که با مفید داشتند و احترامی که برای علویان و شیعیان قابل بودند نیز در این امر بی اثر نبود.

مکتب مفید

در زمان مفید علم کلام و اصول فقه در میان دانشمندان اهل تسنن رونقی بسزا یافته بود فقه و متکلمین بسیاری از اطراف در بغداد گرد آمده در رشته های گوناگون اصول عقائد و اصول فقه و دیگر علوم سرگرم بحث و جدل بودند.

هر چند علم کلام پیش از مفید در میان شیعیان سابقه داشت و با مدارکی که در دست است مبتکر ابن علم نیز مانند سایر علوم اسلام، شیعه بوده است ولی بجهاتی که ذکر شد بر اثر محدودیتی که در کار شیعیان بود این موضوع از مرحله تصنیف و حدود کتاب و جنبه های خصوصی تجاوز نمیگردد.

پیش از مفید؛ شیخ صدوق که رئیس دینی شیعیان بود سبک ساده ای در تصنیف و تالیف بوجود آورده و آنرا مبنای کار خود قرار داده بود. صدوق در فقه و اصول عقائد با استفاده از صریح آیات و روایات اهل بیت درس میگفت و کتاب مینوشت و بهمان شیوه نیز فتوی میداد.

از بک نظر سبک ساده نویسی صدوق در طریقه بی آرایش او در بیان احکام و عقائد که از الفاظ بافی و عبارات پردازیهای متکلمین و اصولیان عصر بکلی پیراسته بود بسیار خوب و مطلوب بود ولی از نظر دیگر چون ادامه آن وضع بایشرفت اهل تسنن در علوم نامبرده و کوتاهی شیعه در آن باره ممکن بود رکودی در کارشان پدید آورد لذا لزوم یک تحول اساسی در سبک استدلال و نگارش برای شیعه بخوبی احساس می شد. بخصوص که اهل سنت از این لحاظ با دیده حقارت بآنها مینگریستند.

مفید در ایجاد و تقویت این مکتب کوشید و با استفاده از مبنای علم کلام و اصول فقه راه بحث و استدلال را بر روی شیعیان باز کرد، اصول فقه که مانند کلام در عصر ائمه طاهرین کم و بیش متداول و معمول بود اساس نوین آنرا استادش ابن جنید اسکافی و پیش از او ابن عقیل فقیه معروف شیعه ریخته بود ولی هنوز مورد توجه دانشمندان شیعه قرار نگرفته بود، بصورت دلپذیری در آورد. بگفته نجاشی کتاب کوچکی در اصول

فقه تصنیف کرده که مشتمل بر تمام مباحث آن علم بود. ابواب فقه را نیز با دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و از تشمت و پراکندگی بیرون آورد و هر موضوعی از آن را در محل خود جای داد و بدان وسیله راه استفاده احکام را روشن ساخت و از این راه نه تنها شیعیان را بر روش استدلالی سایر مسلمین آشنا نمود بلکه از زمان وی تا کنون تمام دانشمندان شیعه بی واسطه یا با واسطه از مکتب او استفاده کرده اند مفید در نظر دانشمندان شیعه

شیخ طوسی شاگرد بزرگ مفید در «فهرست» مینویسد «محمد بن محمد بن نعمان ابو عبدالله مفید معروف به «ابن معلم» از متکلمان طایفه امامیه است. در زمان اور ریاست شیعه بوی منتهی گشت. در فقه و کلام بر هر کس مقدم، فکرش عالی، ذهنش دقیق، و حاضر جواب بود و در رجال نجاشی میگوید: «فضل او در فقه و کلام و روایت و نواقت و علم مشهورتر از آنست که وصف شود».

همچنین ابن ندیم که از همعصران اوست در فهرست خود میگوید: «ریاست متکلمین شیعه در عصر ما اختصاص با او دارد. در علم کلام از دیگران برتر. در فطانت دقیق و در فکر و انتقال سریع است. من او را دیده ام، بر همه مفاقران تفوق دارد».

فقیه بزرگوار ابوعلی جعفری که داماد و جانشین شیخ مفید است میگوید: «اندکی از شب را میخوانید و باقی اوقات شبانه روز را با نماز میخواند یا مطالعه میکرد یا درس میگفت و باقر آن تلاوت مینمود».

بطور خلاصه دانشمندان ما عموماً وسعت اطلاع مفید را در علم رجال و حدیث و اشعار و تبحرش را در اصول و فقه و کلام و تقدمش را در خصال معنوی و ملکات نفسانی بعالی ترین وصف ستوده و معتقدند که در سه سال متوالی حضرت امام زمان علیه السلام سه توفیق بافتخار او صادر فرمود و او را مشمول عنایات خاص و الطافی خود قرار داده است.

علمای اهل تسنن در باره او چه گفته اند؟

از میان آنچه دانشمندان اهل تسنن درباره آن مرد عالیقدر گفته اند فقط بذکر دو قسمت از آن که خود مختصری از مفصل قضاوت آنان است میپردازیم.

ابن کثیر شامی در تاریخ خود مینویسد: «وی پیشوای شیعیان و مصنف و حامی آنان بود پادشاهان عصر عقیده تامی بوی داشتند زیرا بسیاری از اهل آن زمان مایل بمذهب شیعه بودند در مجلس او علماء بسیاری از همه طوائف اجتماع مینمودند و از او استفاده میکردند او پیشوای شیعیان و در کلام و جدل و فقه استاد بود. در دولت آل بویه در کمال جلال و عظمت میزیست، بآخر فرقه درباره عقایدشان مناظره مینمود. از فقراء بسیار دستگیری میکرد. خصوصاً زیاد و نماز و روزه اش افزون و لباسش خشن بود.»

و از ابن حجر عسقلانی نقل میکنند که گفته است: «جماعت بسیاری از محضرش برخاستند. او بر تمام شیعیان حق دارد. پدرش در واسط میزیست و مفید در آنجا بود عکبرا (واقع در ده فرسخی بغداد) متولد گشت. گویند عضدالدوله دیلمی برای ملاقات او بخانه اش میرفت و هنگامیکه مریض میشد از وی عیادت میکرد. شبخی متوسط القامه و لاغر اندام و زبان آرد بود. هفتاد و شش سال زندگی کرد.»

پیش از دو بیست کتاب تصنیف نمود. هشتاد هزار نفر از شیعیان در مرگ او حاضر گشتند و جنازه او را تشییع کردند خداوند با مرگ او اهل تسنن را آسوده گردانید!

مناظرات مفید با دانشمندان بزرگ اهل تسنن

بطوریکه خاطر نشان ساختیم شهر بغداد که از مراکز مهم علمی عصر بود معماو از فقهها و محدثان و متکلمان مذاهب مختلفه بود. بیرون مذاهب اهل سنت که از نظر علم کلام آنها را معتزلی و اشعری میسگفتند، در مجامع عمومی و گاهی در حضور خلیفه مجلسها گرفته هر کس برای اثبات مرام خود حجتها میآورد و دلایلها اقامه میکرد.

علمای شیعه که تا آن روز بآن محافل راه نمی یافتند باطلوع شیخ مفید در بغداد نه تنها در جماعت آنها شرکت می جستند . بلکه شیخ مفید رئیس آنها بیگانه عالم میرز و سخنوری بود که بانی روی علم و بیان و منعلق محکم خود در تمام موارد بر همگان غلبه می یافت . از خطیب بغدادی که هم عصر مفید بود دعاست نقل شده که : «اگر میخواست میتوانست ثابت کند که ستون چوبی از طلاست ؟»

ابوالحسن خیاط رئیس معتزلیان و قاضی ابوبکر باقلانی که قاضی القضاة بغداد بود ، فاضل کتبی و ابو عمر شطوی و ابو حامد سمرانی شافعی و قاضی عبدالعبار معتزلی و غیرهم از دانشمندان بزرگی بودند که اغلب اوقات مفید با آنها در بحث امامت و اصول عقائد بگفتگو می پرداخت و آنها را ملزم و محکوم می کرد .

داستان مناظرات آنها بسیار شیرین و خواندنی است . سید مرتضی که بزرگترین شاگرد مفید است آنها را در کتابی جمع نموده که از جمله دو داستان آن را برای نمونه در باین می آوریم .
چرا او را مفید میگویند ؟

در مجموع ۴۰۰۰ مینویسد : « مفید اصلاً از عکبر است در ایام کودکی همراه پدرش به بغداد آمد و نزد ابو عبدالله معروف به جعل به تحصیل پرداخت . سپس بمجلس درس ابویاسر که در دروازه شهر اسان تدریس می کرد حضور یافت ، چون ابویاسر از عهده بحث و پرسشهای او در مانده شد او را علی بن عیسی زمانی که از بزرگان علمای کلام بود رجوع داد و گفت چرا بنزد او نمیروی تا از او استفاده کنی ؟ مفید گفت او را نمیشناسم و کسی ندارم که مرا با معرفتی کند .

ابویاسر یکی از شاگردان خود را همراه او کرد و نزد زمانی فرستاد چون مجلس زمانی از فضلا و دانشمندان پر بود . مفید در صف نعال نشست و بتدریج که مجلس خلوت میشد نزدیکتر رفت . در آن اثناء مردی از اهل بصره آمد و از زمانی پرسید چه میفرمائید درباره حدیث غدیر (که بعقیده شیعه پیغمبر اکرم امیر مؤمنان را جانشین بلا فصل خود گردانید) و داستان غار (که با اعتقاد اهل سنت دلیل بر خلافت ابوبکر است)

زمانی گفت داستان غار درایت (مسلم و معلوم) است و حدیث غدیر روایت و منقول می باشد و آنچه از درایت و امر مسلم استفاده میشود از روایت مستفاد نمیگردد مرد بصری سکوت کرد و برخاست و از مجلس بیرون رفت .

در این موقع مفید خود را بر زمانی نزدیک گردانید و گفت سؤالی دارم! گفت بگو گفت چه میفرمائی درباره کسیکه بر امام عادل خروج کند و با وی جنگ نماید؟ گفت او کافر است بعد گفت نه فاسق است . مفید پرسید راجع با امامت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام چه میگوئید؟ گفت: او امام است . گفت درباره طلحه و زبیر (که آتش افروز جنگ جمل علیه امیر المؤمنین بودند) چه میفرمائید؟ گفت آنها از این عمل توبه کردند مفید گفت جناب استاد! داستان جنگ جمل درایت و امر مسلمی است و توبه کردن

طلحه و زبیر روایت میباشد !!

زمانی که بخوبی متوجه موضوع شده بود گفت مگر موقعیکه آن مرد بصری از من سؤال کرد تو حاضر بودی؟ گفت آری . گفت این سخن بجای آنچه من گفتم - اشکال تو وارد است !! آنگاه پرسید تو کیستی و نزد کدام یک از علمای این شهر درس میخوانی گفت نزد شیخ ابو عبدالله جمل . گفت بنشین تا من مراجعت کنم .

سپس برخاست و بدرون خانه رفت و پس از لحظه ای برگشت و نامه ای سر بسته بوی داد و گفت این را با استاد خود بده ، مفید نامه را آورد و با استادش تسلیم کرد . استاد نامه را گشود شروع بقرائت کرد . و در طی مطالعه آن بخنده افتاد پس از قرائت گفت زمانی ماجرائی را که میان تو و او در مجلس وی روی داده نوشته و سفارش تو را نموده و تو را ملقب به «مفید» کرده است. این داستان را بصورت دیگری نیز آورده اند ولی دور نیست که در واقعه جداگانه باشد بنقل دیگر که در کتاب مصابیح القلوب و سرائر ابن ادریس حلی است «در روزی قضی عبدالجبار معتزلی (از اعظام علمای اصول و کلام) در مجلس درس نشسته بود و دانشمندان هر دو فرقه (شیعه و سنی) نیز حاضر بودند . شیخ مفید که آن موقع مجتهد شیعه و قضی نام او را شنیده ولی تا آن روز او را ندیده بود به مجلس وی درآمد و در صف تعال نشست ..

بعد از لحظه‌ای رو بقاضی کرد و گفت اگر اجازه باشد سوالی دارم در حضور علمای ملت پیرسم! قاضی گفت بگو. مفید گفت حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه» (هر کس من آقای اویم علی هم آقای اوست) که طایفه شیعه روایت میکنند مسلم است که پیغمبر فرموده با ساخته شیعیان است؟

قاضی گفت البته خبر صحیح است. گفت منظور از «مولی» چیست؟ گفت مقصود آقائی در ریاست بر مسلمین است. گفت اگر چنین است پس این همه اختلافات و دشمنی‌های میان شیعه و سنی برای چیست؟ (زیر ابگفته شما بعد از پیغمبر علی آقا در رئیس مسلمانان است!) قاضی گفت ای برادر! این حدیث روایت و خلافت ابو بکر درایت و امری مسلم میباشد. و مردم عاقل به خاطر روایتی ترك درایت نمیکنند!

مفید گفت بسیار خوب چه میفرمائید در این روایت که پیغمبر به علی علیه السلام فرمود: «حربك حربی و سلامك سلمی» (یعنی جنگ تو جنگیدن با من و صلح با تو صلح کردن با من است) قاضی گفت این نیز از پیغمبر است و صحیح میباشد. مفید گفت بنا بر این اصحاب جمل (که علیه امیر مؤمنان جنگ کردند) بفرموده شما کافرند.

گفت ای برادر! آنها توبه کردند مفید گفت: ایها القاضی! جنگ جمل درایت است و توبه آنها روایت میباشد، خودتان لحظه‌ای پیش در جواب من راجع به حدیث غدیر فرمودید که مردم عاقل درایت و امر مسلمی را به خاطر روایتی ترك نمیکنند!

از این حرف قاضی در جواب فرمودند و سخت متعجب گردید و مدتی سر بر انداخت و نگاه سر برداشت و گفت تو کیستی؟! گفت من خادم شما: محمد بن محمد بن نعمان، قاضی برخاست و دست مفید را گرفت و بر جای خود نشانید و گفت: «انت المفید حقاً» یعنی حقیقتاً تو مفیدی. علمای مجلس از عمل قاضی سخت بر آشفتمند و همه در میانشان افتاد. قاضی رو با آنها کرد و گفت ای فضلا و علمای دین، این مرد مرا ملزم و محکوم کرد. من پاسخی ندارم که با او بدهم اگر شما جوابی دارید بگوئید تا بر خیزد و بجای خود بنشیند!!

هیچکس نتوانست پاسخ او را بدهد!

چون اینخبر بعضالدوله دیلمی رسید مفیدرا احضار کرد و ماجرا را از او پرسید سپس مرگوبی خاص با قلاده زرین و جبه و دستار تیکو و صد دینار طلای ناب و پیشخدمتی بوی داد و مخارج زندگی روزمره او را بعهده گرفت و بدینگونه او را خلعت بخشید!

اسفادان و شاکردان او

محدث نوری در خاتمه مستدرک ۵۰ تن از استادان مفید را نام میبرد. البته تعداد آنها بیش از این است. معروفین آنان ابن قولویه قمی. صدوق. ابن ولید قمی. ابو غالب زراری. ابن جنید اسکافی ابوعلی صولی بصری. و ابو عبدالله صفوانی است، همچنین شاگردان او بسیارند. سر آمد آنها علم الهدی سید مرتضی، برادرش سید رضی، شیخ طوسی، نجاشی، ابو الفتح کراجکی، ابوعلی جعفری و سالار بن عبدالعزیز است.

تالیفات وی

مفید در همه علوم اسلام تألیف و تصنیف دارد. آثار قلمی آن نابغه عالیقدر همه در نهایت نفاست و اتقان نوشته شده. تالیفات وی در حدود دویست جلد کتاب و بیش از آن است، شاگرد وی نجاشی بیشتر آنان را نام میبرد. این چند کتاب از عمیان آثار او معروف است.

کتاب از شاد. مقننه. مجالس. اوائل المقالات. تصحیح کتاب اعتقادات شیخ صدوق افصاح در امامت. اصول فقه؛ رد بر کتاب عثمانیه جاحظ، رد بر علی بن عیسی رمانی. رد بر ابو بکر باقالاتی، رد بر ابو عبدالله بصری، رد بر بیروان منصور حلاج صوفی معروف؛ شیخ بزرگوار در سال ۳۳۸ متولد شد و در سنه ۴۱۳ در بغداد در گذشت شیخ طوسی مینویسد «روز وفات او روزی بود که از کثرت دوست و دشمن برای نماز و گریستن بر او مانند آن دیده نشد ماست» هشتاد هزار نفر از شیعیان او را تشییع نمودند، سید مرتضی بر او نماز گذارد، و در حرم مطهر امام نهم پائین پای آن حضرت نزدیک قبر استادش ابن قولویه مدفون گردید، گویند حضرت امام عصر علیه السلام در مرثیه او اشعاری فرموده که بخط آن حضرت در روی قبر مفید دیدند.